

## شخصیت دونالد ترامپ و تأثیر آن بر سیاست خارجی امریکا در قبال برجام

### (بر اساس نظریه آناگرام)

10.30495/pir.2021.686748

حسن عابدینی کشکوئیه<sup>۱</sup>، حسین مسعودنیا<sup>۲</sup>، مهناز گودرزی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰

### چکیده

سیاست خارجی امریکا در قبال ایران در دوره ریاست جمهوری ترامپ، با بد خواندن توافق هسته‌ای آغاز شد و در ادامه برای رسیدن به توافقی بهتر، از برجام خارج شد و قطعنامه ۲۲۳۱ سازمان ملل متحد را نقض کرد. سرانجام با بازگرداندن یک جانبه تحریم‌ها علیه ایران و همچنین ایجاد پیش‌شرط برای مذاکره مجدد، دیگر اعضای برجام را برای خروج از این توافق تحت فشار قرار داد. دولت ترامپ با استفاده از گزینه فشار حداکثری و ابزارهای قدرت به‌جای روش‌های دیپلماتیک و مسالمت‌آمیز، سیاست برد - باخت را به‌جای سیاست برد - برد انتخاب کرد. هدف دولت ترامپ در رسیدن به توافقی جدید، توافقی بهتر و به نام دولت او با جمهوری اسلامی ایران بود که بیش از منافع ملی امریکا، متأثر از شخصیت وی بود. از آنجایی که وی با شعارهای پوپولیستی، نخبگان حاکم بر امریکا و ساختار امریکا را فاسد می‌خواند، سعی بر نابودی همه دستاوردهای دولت قبلی دموکرات امریکا در ابعاد داخلی و خارجی داشت. در این مقاله با تجزیه و تحلیل شخصیت رئیس‌جمهور امریکا براساس نظریه آناگرام، سعی شده است به این سؤال پاسخ داده شود: شخصیت ترامپ تا چه حد باعث شده است تا دولت امریکا سیاست‌هایش را در قبال ایران با رویکرد تهاجمی دنبال کند؟ با توجه به نتایج این بررسی می‌توان گفت در کنار سایر عوامل، شخصیت ترامپ پس از ورود به کاخ سفید بیشترین تأثیر را بر رویکرد سیاست خارجی تهاجمی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در موضوع برجام داشته است.

### واژگان کلیدی: ترامپ، ایران، امریکا، برجام، نظریه آناگرام

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

<sup>۲</sup>. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup>. h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

<sup>۳</sup>. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

## ۱- مقدمه

رفتار، نقش و شخصیت رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، رهبر یکی از ابرقدرت‌های جهان، مؤثرترین و نافذترین بازیگر در ایجاد و گسترش مؤلفه‌های نظم بین‌المللی و ضمانت حقوق جامعه بین‌المللی بوده است. ایالات متحده آمریکا با رهبری باراک اوباما پس از سال‌ها قطع روابط دیپلماتیک با ایران که همواره با چالش‌ها و فراز و نشیب‌های زیادی روبه‌رو بوده است، در قالب برنامه جامع اقدام مشترک، به یک توافق چندجانبه بین‌المللی دست یافت. رئیس‌جمهور دونالد ترامپ سیاست‌های اوباما در قبال خاورمیانه و به‌ویژه ایران را از زمان تبلیغات انتخاباتی، به‌طور جدی انتقاد کرد. موضوع مهم پیش روی روابط بین‌الملل با روی کار آمدن دولت دونالد ترامپ، درک‌نکردن صحیح وی از روابط بین‌الملل و حقوق جامعه بین‌المللی بود.

از دیدگاه ترامپ، سیاست خارجی اوباما باعث ضعف و شکست این کشور در جهان شده بود. ترامپ با انتقادات جدی از سیاست‌های اوباما در عرصه داخلی و خارجی، خواهان ایجاد تغییراتی در آن‌ها شد. دولت ترامپ درصدد بود با رهیافت مبتنی بر قدرت سخت، مشکلات جهانی را حل کند. برپایه این رهیافت، آمریکا به‌سبب برتری قدرت نظامی، اقتصادی و سیاسی، قدرتمندترین کشور جهان به‌شمار می‌رود؛ بنابراین معاهدات و قواعد حقوقی تا آنجا برای این کشور اعتبار دارد که تضمین‌کننده منافع و امنیت آمریکا و متحدانش باشد. از دیدگاه ترامپ، آمریکا با ایجاد نظم بین‌الملل لیبرال بعد از جنگ جهانی دوم، یک معامله بد انجام داده بود؛ بنابراین او در پی پایان‌دادن به این نظم بود و برای این کار سه دلیل داشت:

الف) آمریکا با ایجاد اتحادهای نظامی، تعهدات بسیاری را در سرتاسر جهان پذیرفته است؛

ب) اقتصاد جهانی مزیتی برای ایالات متحده آمریکا نداشته است؛

ج) آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم مانند یک مرد قدرتمند، اما دلسوز رفتار کرده است.

از دیدگاه ترامپ، سیاست خارجی اوباما بازی با حاصل جمع جبری صفر و سهم آمریکا در این بازی باخت بود (کریمی‌فرد، ۱۳۹۷: ۲۸۵).

از یک بعد، جهت‌گیری سیاست خارجی ترامپ، تهدیدی واقعی برای برهم‌زدن نظم جهانی بود. این سیاست تهدیدی جدی برای سازمان‌ها، اتحادها و ائتلاف‌های بین‌المللی به‌شمار می‌رفت که رابطه‌ای مستقیم با امنیت بین‌المللی، حاکمیت قوانین بین‌المللی، حمایت از حقوق بشر و حل و فصل اختلافات بین‌المللی دارد (Kergin, 2020: 218).

از بُعد دیگر، دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ، درک سیاست‌گذاری سیاست خارجی وی را دشوار می‌کند؛ زیرا ریاست جمهوری وی اغلب با «دکترین پیش‌بینی‌ناپذیر بودن» مشخص می‌شود. اولین سخنرانی مهم ترامپ در سیاست خارجی برای کاندیدای ریاست جمهوری نشان داد که سازگارترین جنبه سیاست خارجی وی ناسازگاری آن است (ما به‌عنوان یک ملت کاملاً پیش‌بینی‌پذیر هستیم... باید پیش‌بینی‌ناپذیر باشیم و از همین حالا باید پیش‌بینی‌ناپذیر باشیم). پیش‌بینی‌ناپذیر بودن سیاست خارجی ترامپ در طیف وسیعی از موضوعات دیده می‌شود؛ از جمله اینکه در این دوره بالاترین میزان جابه‌جایی اعضای کابینه و مشاوران ارشد در تاریخ آمریکا اتفاق افتاده است. سیاست خارجی ترامپ، هم از نظر سبک و هم از نظر روش، با دولت‌های قبلی فاصله چشمگیری داشت؛ اما رفتارهای سیاست خارجی وی در بسیاری از موضوعات مانند حمایت از اسرائیل و یهودی‌سازی سرزمین‌های اشغالی، مخالفت با ایران به‌ویژه در موضوع برجام، قدرت موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران و... ثابت بوده است (Siniver, 2020: 71).

در شرایط پسابرجام، ایران با لغو تحریم‌های بین‌المللی مالی و بانکی، به بخش توجه‌برانگیزی از منابع بلوکه‌شده دسترسی

یافت. همچنین در سایه این توافق، ایران از فضای بسته و غیرتعاملی خارج شد و با حضور همه‌جانبه در عرصه بین‌الملل به بازیگری فعال و دارای نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شد. همین امر موضع‌گیری کشورهای منطقه را - کشورهای حاشیه خلیج فارس و اسرائیل که مخالف توافق هسته‌ای با ایران بودند - به سوی ضرورت مهار قدرت جمهوری اسلامی ایران پیش برد (اسلامی، ۱۳۹۵: ۳۷). به همین دلیل، دولت ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران، درباره طیف گسترده‌ای از موضوعات دوجانبه و چندجانبه بین‌المللی، سیاست متفاوتی را نسبت به دولت اوباما اتخاذ کرد.

با توجه به محیط بی‌اعتماد متقابلی که از بدو پیروزی انقلاب ایران بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا وجود دارد، هر دو قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سعی دارند با بیشینه‌سازی قدرت به اهداف خود در پیشبرد منافع حیاتی و استراتژیک خود در سطح منطقه خاورمیانه دست یابند. حضور ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه و نیز ایران، یک قدرت بزرگ منطقه‌ای، یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات بین دو کشور است.

برای تجزیه و تحلیل سیاست خارجی تهاجمی آمریکا در قبال ایران در دوره ریاست جمهوری ترامپ، می‌توان روند این سیاست را در چند سطح بررسی کرد:

۱) بد خواندن توافق هسته‌ای و لزوم خروج از آن؛

۲) اشتیاق به مذاکره مجدد و از بین بردن توافقات دولت اوباما با ایران؛

۳) استفاده از تهدید و تحریم برای رسیدن به توافق جدید (توافق خوب)؛

۴) از بین بردن توان موشکی ایران؛

۵) جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای ایران؛

۶) حفظ امنیت اسرائیل و کشورهای مرتجع عربی.

از سوی دیگر، ظهور ترامپ با شخصیت پوپولیستی و اقتدارگرا در غرب، بر دموکراسی لیبرال فعلی آمریکا، روند جهانی‌سازی اقتصادی و همچنین بر حاکمیت جهانی که سازمان‌های بین‌المللی آن را به دست آورده و حفظ کرده‌اند، تأثیر منفی فوق‌العاده‌ای گذاشته است؛ این نوع شخصیت، تهدیدی برای امنیت بین‌المللی به شمار می‌رود (Zhai, 2020: 481). برای بررسی تأثیر شخصیت ترامپ بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران و اینکه شخصیت ترامپ تا چه میزان باعث شده بود تا دولت آمریکا در سیاست‌های دولت باراک اوباما (میراث اوباما) در قبال ایران، تجدیدنظر کند و سیاست خارجی تهاجمی در پیش گیرد، این سؤال مطرح می‌شود که «سیاست‌های آمریکا در دوره ریاست جمهوری ترامپ به چه میزان جدید بود؟ و آیا سیاست‌های ترامپ در مقابل سیاست‌های اتخاذشده دولت‌های قبلی آمریکا در قبال ایران، تغییرات فاحشی داشت؟». برای پاسخ به این سؤالات باید نخست به بررسی شخصیت رئیس‌جمهور آمریکا پرداخت و سپس میزان وابستگی سیاست خارجی آمریکا به نقش ترامپ و تصمیمات او را به دست آورد.

مقاله حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که شخصیت دونالد ترامپ به چه میزان بر رویکرد تهاجمی شدن سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران تأثیرگذار بوده است. فرضیه مقاله حاضر بر این است که با تجزیه و تحلیل شخصیت رئیس‌جمهور آمریکا براساس نظریه آناگرام می‌توان گفت شخصیت ترامپ پس از ورود به کاخ سفید بیشترین تأثیر را بر سیاست خارجی تهاجمی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در موضوع برجام، گذاشته است.

## ۱-۱ پیشینه پژوهش

وحید نوری در پژوهشی تحت عنوان «فردگرایی در سیاست خارجی آمریکا در دوره دونالد ترامپ: نتایج و پیامدها» می‌کوشد علل مبنایی سیاست خارجی پرتلاطم دونالد ترامپ را تجزیه و تحلیل کند. وی در این مقاله در پی پاسخ به این

سؤال است که «مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بر سیاست خارجی آمریکا چیست؟» و سرانجام استدلال می‌کند که ویژگی‌های شخصیتی ترامپ، موجب ارتقاء جایگاه «متغیر فردی» بر دیگر عوامل تأثیرگذار سیاست خارجی آمریکا شده است. دونالد ترامپ با اعمال دیدگاه‌های شخصی و همسوسازی نهادهای بوروکراتیک از طریق برکناری دولت مردان ناهمسو و جایگزینی آن‌ها با شخصیت‌های هم‌راستا، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم سیاست خارجی آمریکا را تحت تأثیر قرار داده است.

نویلا ملاح و میشل کولماچ، در تحقیقی تحت عنوان «سیاست خارجی آمریکا تحت نظر دونالد ترامپ»، ایالات متحده را نمایانگر یک ابرقدرت در هر دو بخش اقتصادی و سیاسی می‌دانند؛ بنابراین سیاست خارجی آن تأثیر عمده‌ای در روابط بین‌الملل دارد. به همین دلیل، آن‌ها با رویکردها و تئوری‌های موجود در روابط بین‌الملل به‌شدت بررسی شده‌اند. به نظر می‌رسد درک سیاست معاصر آمریکا به ابزارهای مختلفی نیاز دارد که نظریه‌های سنتی نمی‌توانند آن‌ها را ارائه دهند؛ به‌ویژه با توجه به ظهور دونالد ترامپ، به نظر می‌رسد سیاست آمریکا دچار چرخش هویتی شده است. نویسندگان این تحقیق کوشیده‌اند تا نشان دهند در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا هویت ملی با سیاست خارجی درهم تنیده شده است (Mullaj, 2019).

نادر انتصار، استاد علوم سیاسی در دانشگاه جنوب آلاباما و کاوه افراسیابی دانش‌آموخته علوم سیاسی و کارشناس امور خارجی ایران کتابی تحت عنوان «ترامپ و ایران؛ از مهار تا تقابل» را در آمریکا به رشته تحریر درآورده‌اند. نویسندگان این کتاب معتقدند با روی کار آمدن دولت ترامپ، روابط بین ایران و آمریکا به‌طور فزاینده‌ای به سمت درگیری می‌رود تا دولت ترامپ نشان دهد جنگ آینده بین دو کشور، یک واقعیت ممکن است. رئیس‌جمهور ترامپ به‌طور یک‌جانبه ایالات متحده را از توافقنامه تاریخی هسته‌ای ایران خارج کرد و تحریم‌های هسته‌ای را که در نتیجه آن توافق تعلیق شده بود، دوباره اعمال کرده است. بازتاب تلاش‌های جدید آمریکا برای مهار رفتار هژمونیک ایران در خاورمیانه، سیاست ترامپ درباره ایران را با استراتژی مهار ایران در شش دولت پیشین آمریکا گسسته است. سیاست تغییر رژیم، با پیشگامی یک کابینه جنگ‌طلب با سابقه طولانی انزجار نسبت به دولت ایران، بارزترین ویژگی سیاست آمریکا در قبال ایران در زمان ریاست جمهوری ترامپ است. نویسندگان کتاب، توجه ویژه و چشمگیری به ابعاد اقتصادی و ژئوپولیتیکی سیاست خارجی ایران نسبت به آمریکا، اروپا و خلیج فارس دارند. سناریوهای جایگزین برای جنگ و دیپلماسی بین ایران و غرب در این کتاب از اهمیت بسیاری برای درک روندهای منطقه‌ای و جهانی موجود برخوردار است (Entessar, 2019).

هرکدام از منابع یادشده، جنبه‌های خاصی از روابط ایران و آمریکا را در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ بررسی می‌کنند. مسئله‌ای که کمتر در مقالات مزبور به آن توجه می‌شود، تأثیر شخصیت دونالد ترامپ بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران است. مقاله حاضر می‌کوشد با تجزیه و تحلیل شخصیت دونالد ترامپ براساس نظریات روان‌شناختی و روان‌شناسی سیاسی، مانند آناگرام، زوایای پنهان اتخاذ رویکرد سیاست خارجی تهاجمی دونالد ترامپ در قبال ایران را بررسی کند.

## ۲- چارچوب نظری

### ۲-۱ سیاست خارجی و بازخورد آن در نظام بین‌الملل

امروزه، سیاست خارجی نقش مهمی در سرنوشت کشورها بازی می‌کند. به همین سبب، شناخت سیاست خارجی دولت‌ها و تبیین زوایای پنهان آن از جمله دل‌مشغولی‌های اندیشمندان حوزه روابط بین‌الملل و سیاست بین‌الملل به شمار می‌رود. اولین تلاش‌ها برای بررسی زوایای داخلی سیاست خارجی به‌ویژه در دهه اول و دوم پس از جنگ جهانی دوم صورت گرفت

که در ادامه، تلاش‌هایی نیز مبتنی بر جنبه روان‌شناختی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی انجام شد (صالحیان، ۱۳۹۷: ۱۶۵). در مطالعه و بررسی عوامل تعیین‌کننده در جهت‌گیری سیاست خارجی معمولاً متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری خط مشی سیاست خارجی را به متغیرهای بنیادی و عوامل موضعی تقسیم می‌کنند که به صورت خلاصه عبارت‌اند از: مبانی اعتقادی؛ شرایط ژئوپلیتیک؛ فرهنگ عمومی و سیاسی؛ ساختار و سنخ نظام سیاسی حاکم؛ نیازمندی‌ها و احتیاجات جامعه در همه ابعاد؛ سنخ و ماهیت نظام بین‌الملل؛ وضعیت تصمیم‌گیران و شیوه نگرش آن‌ها نسبت به مسائل سیاسی و نظام بین‌المللی؛ وضعیت و میزان و ترکیب سنی و جنسی مردم برای قابلیت بسیج آن‌ها؛ وضعیت و میزان دوستی و یا دشمنی با همسایگان (ازغندی، ۱۳۹۴).

## ۲-۲ رهبران سیاسی و روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی

رهبران سیاسی در هر کشور علاوه بر ملحوظ داشتن مسائل مربوط به محیط بین‌المللی، نگرانی‌های داخلی را نیز در تصمیم‌گیری در نظر می‌گیرند. سیاست خارجی هر کشور، ترکیبی از اهداف ناشی از منافع ملی و ابزار نشأت گرفته از قدرت ملی است و از آنجا که منافع ملی و قدرت ملی در عین تعاریف متعددی که از آنان داده شده است، مفاهیم مبهمی هستند، سیاست خارجی که ترکیبی از این دو است، دستخوش ابهام و نبود قطعیت بیشتری خواهد بود (سیمبر، ۱۳۹۸: ۳۹۵).

تصمیم‌گیری، حاصل کشمکش میان افراد مختلف است که هدفشان به کرسی نشاندن عقاید شخصی، گروهی، سازمانی یا ملی مدنظر خودشان است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که دولت‌ها و احزاب حاکم در سراسر جهان با تصمیم‌گیری در سیاست‌های خارجی توانسته‌اند قدرت و اشخاص را تحت سلطه خود درآورند.

در دهه‌های اخیر، برخی از صاحب‌نظران به این نتیجه رسیده‌اند که تصمیم‌گیری در سیاست خارجی را می‌توان با تلفیقی روان‌شناسی سیاسی و روابط بین‌الملل بررسی کرد. در واقع در روان‌شناسی سیاسی، رفتار سیاسی نخبگان مطالعه می‌شود (دیلیم صالحی، ۱۳۹۶: ۱۲۷).

سیاست خارجی هریک از دولت‌های امریکا، تاحدود زیادی منعکس‌کننده ویژگی‌های افرادی است که سکان‌دار رهبری در مقطع زمانی معینی هستند. در این میان کیفیات فردی یا ویژگی‌های اخلاقی رئیس‌جمهور، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شیوه خط‌مشی سیاسی به شمار می‌رود. این تأثیرگذاری با متغیرهای دیگر متعادل و تلطیف می‌شوند. در چارچوب منابع فردی تصمیم‌گیری سیاست خارجی امریکا، ویژگی‌های شخصی رئیس‌جمهور، مهارت‌ها، باورها، اعتقادات و تجارب پیشین وی، اهمیت دارند (محمدی نجم، ۱۳۹۳: ۲۴۳).

## ۲-۳ شخصیت رهبران سیاسی و بازتاب آن در تصمیمات سیاست خارجی

### ۲-۳-۱ تعریف شخصیت

افرادی نظیر فروید و فرویدن‌ها از اوایل قرن بیستم، مطالعه علمی شخصیت و کاربرد آن به صورت نظام‌مند را آغاز کردند و تا امروز گسترش کمی، کیفی و ضرورت‌های کاربردی فراوانی یافته است. شخصیت، یکی از پدیده‌های علمی و کاملاً تخصصی در حوزه علم روان‌شناسی است؛ زیرا شخصیت، پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد گوناگون است و تأثیر زیادی بر رفتار فردی و اجتماعی و سیاسی بشر دارد. در واقع تعریف شخصیت از دیدگاه هر نظریه‌پرداز و یا هر مکتبی بستگی به جهان‌بینی آن نسبت به انسان دارد. از نظر لغوی و ریشه‌ای، کلمه شخصیت معادل کلمه پرسونا<sup>۱</sup> در زبان لاتین استفاده شده و به معنی نقاب یا ماسکی است که در یونان و روم باستان، بازیگران تئاتر بر چهره می‌گذاشتند و براساس آن نقاب، نقش خود را بازی می‌کردند. الپورت، پدر روان‌شناسی صفات، حدود پنجاه تعریف از شخصیت را در کتاب خود جمع‌آوری و بررسی

<sup>۱</sup> persona

کرده است. شخصیت از دیدگاه وی «سازمان پویای تن و روان آدمی است که رفتارها، افکار خاص و روش‌های سازگاری او را تعیین می‌کند و موجب بی‌همتایی وی می‌شود». افرادی نظیر هال و لیندزی معتقدند که شخصیت تعریف‌شدنی نیست ولی می‌توان آن را اندازه‌گیری کرد.

## ۲-۳-۲ عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت رهبران سیاسی

محققان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و ساخت شخصیت انسان را به دو دسته وراثتی و محیطی تقسیم کرده‌اند. عوامل وراثتی، درونی بوده و از نظر تأثیرگذاری به صورت پایه‌ای هستند که فرد و محیط پیرامون آن، چندان در چگونگی به وجود آمدن آن نقشی ندارند. این عوامل از والدین و ژن‌ها به فرد منتقل می‌شود (خوروش، ۱۳۹۴). شخصیت رهبر، مفهوم مهم و دارای پیچیدگی ذاتی است که در بسیاری از رشته‌ها مانند علوم سیاسی وجود دارد. این مفهوم فی‌نفسه چندوجهی است و تعاریف مختلفی دارد. در عمل، رهبری یک شکل رایج تفویض قدرت در یک ساختار سازمانی است (Jingsi Ni, 2020: 253). در پیوند سیاست و شخصیت رهبران سیاسی باید گفت، سیاست و زبان ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. سیاست حامل زبان است و زبان بیانگر سیاست است. آن‌ها مکمل هم هستند و با یکدیگر تعامل دارند (Song, 2019: 288).

از نظر جیمز روزنا، در تصمیم‌گیری سیاست خارجی، علت رفتار سیاسی حکومت‌ها به مجموعه‌ای از عوامل مربوط می‌شود که از جمله می‌توان به متغیر شخصیت تصمیم‌گیرنده و نقش و میزان اختیارات او اشاره کرد (ازغندی، ۱۳۹۴). در این باره، سیاست خارجی شخصیت‌های تصمیم‌گیر پوپولیست، تهدیدی بین‌المللی برای نهادهای لیبرال دموکراتیک، تجارت آزاد و حاکمیت جهانی است. قدرت تحریک‌شده شخصیت سیاسی دونالد ترامپ باعث تغییر در گفتمان سیاست خارجی آمریکا شده است. ترامپ را می‌توان به مرجعی برای تجدید ساختار سیاست خارجی آمریکا دانست (Mullaj, 2019).

پرزیدنت ترامپ یک رهبر سیاسی بسیار پیش‌بینی‌ناپذیر و تکانشی است. او بسیار افتخار می‌کند که به اصطلاح مجری «تعویض بازی» در رابطه با دستگاه سیاسی واشنگتن و حتی جامعه جهانی است. بسیاری ظهور دونالد ترامپ را یک پدیده سیاسی منحصر به فرد و ناشی از رشد ذهنیت ضد استقرار در جامعه آمریکا می‌دانند (Jingsi Ni, 2020: 253).

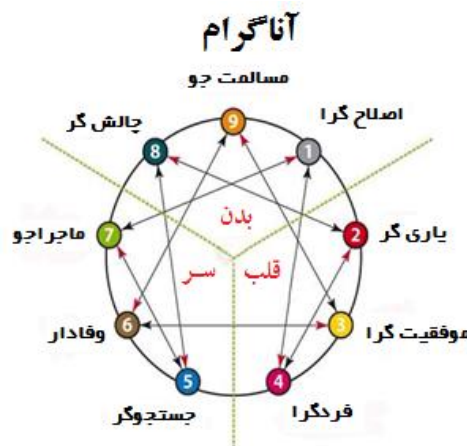
انتخاب دونالد ترامپ در ایالات متحده بارزترین نمود ظهور پوپولیست‌ها بود. پوپولیست‌ها در سراسر جهان به «مردم» متوسل می‌شوند و آن‌ها را علیه «نخبگان» متحد می‌کنند که متهم به زیر پا گذاشتن حاکمیت مردمی هستند. نقش برجسته مسائل سیاست خارجی در کارزار انتخاباتی ترامپ نشان داد که پوپولیسم محدود به سیاست داخلی نیست (Wojczewski, 2020: 292).

ارتباط بین خصوصیات شخصی رئیس‌جمهور و رفتار وی در صحنه سیاست خارجی، کاملاً اثبات شده است. بیش از چهار دهه پیش دیوید باربر در مطالعات خود درباره شخصیت ریاست‌جمهوری بیان کرد که «شخصیت رئیس‌جمهور، شکل‌دهنده مهمی در رفتار وی در تمام امور دولتی از جمله سیاست خارجی است»؛ در حالی که چارلز هرمان به‌طور مشابه اشاره می‌کند که «تصمیمات سیاست خارجی ممکن است تجلی خصوصیات شخصی یک تصمیم‌گیر اصلی باشد». با توجه به سلسله‌مراتب سیستم ریاست‌جمهوری آمریکا، تعجب‌آور نیست که در نهایت، سیاست خارجی از شخصیت رئیس‌جمهور ناشی شود. باربر، شخصیت را هسته اصلی تصمیمات رئیس‌جمهور تعریف می‌کند؛ برای مثال، می‌توان انتخاب گروه مشاوره‌ای رئیس‌جمهور را در جایگاه تابعی از ویژگی‌های شخصیتی رئیس‌جمهور مانند احساس امنیت، تجربه، شایستگی، تمایل به کنترل و مشاوره دانست (Siniver, 2020: 71).

## ۲-۴ نظریه آناگرام و تجزیه و تحلیل شخصیت

نماد آناگرام یک نماد باستانی است و قدمت آن به فیثاغورس یا قبل از آن برمی‌گردد. توافق کلی وجود دارد که جورج گورجیف این نماد را در حدود دهه ۱۹۴۰ به غرب آورد. به نظر می‌رسد مفهوم نه تپ شخصیتی نظریه آناگرام که بعداً ظاهر شده است، در آموزه‌های سنتی مختلفی مانند هفت گناه مرگبار (آغاز قرن چهارم) ریشه دارد. اسکار ایچازو (۱۹۸۲) اولین کسی بود که این نماد را با تعالیم مربوطه انواع آن ترکیب کرد. وی همچنین ویژگی‌های اصلی و اساسی هر یک از نه تپ شخصیتی را شناسایی کرد. این کار را کلودیو نارانجو که یک روانپزشک بود، بیشتر گسترش داد. نارانجو همچنین طرح‌هایی برای جمع‌آوری اطلاعات تجربی درباره هر نوع نماد ایجاد کرد. اخیراً دون ریسو و راس هادسون ویژگی‌های جدیدی را مانند شرح منظم سیستماتیک از هر تپ شخصیتی و سطوح درون تکوینی / تکاملی به سیستم آناگرام اضافه کرده‌اند. آناگرام، ابزاری برای افزایش خودآگاهی و رشد، به‌طور گسترده‌ای استفاده می‌شود. ریسو به‌درستی دید که درک آناگرام مانند داشتن یک جفت عینک مخصوص است که به ما امکان می‌دهد زیرسطح افراد را با وضوح شگفت‌انگیزی ببینیم. ما در واقع ممکن است آن‌ها را با وضوح بیشتری از آنچه خودشان می‌بینند، ببینیم (Kale, 2001: 1).

براساس نظریه آناگرام، شخصیت افراد به نه دسته یا تپ تقسیم می‌شود که از آن‌ها تپ‌های شخصیتی یاد می‌شود. هر فرد (بعد از بیست سالگی) یک تپ شخصیتی دارد که در طول عمر تغییر نمی‌کند؛ اما درون همان تپ شخصیتی می‌تواند مراحل مختلف رشد انسانی (مراحل سالم، متوسط و ناسالم) در نوسان باشد. نماد آناگرام به‌شکل دایره‌ای است که نه نقطه روی آن با فواصل یکسان با نه خط به هم وصل شده است. هر یک از این نقاط بیانگر یکی از نه شخصیت اصلی است (Sutton, 2012: 5).



جدول شماره ۱: محاسن شخصیتی تپ‌های نه‌گانه آناگرام

تپ ۱	اصلاح‌گرا	معتقد به اصول؛ کمال‌گرا؛ مستقل و جدی؛ قابل‌اعتماد؛ اخلاق‌مدار؛ صادق؛ منضبط؛ آرمان‌گرا؛ عادل
تپ ۲	یاری‌گر	مهربان؛ سخاوتمند؛ فداکار و باگذشت؛ پشتیبان و پذیرا؛ سازگار و حساس؛ دگرخواه و دگراندیش
تپ ۳	موفقیت‌گرا	سازگار با محیط؛ بلندپرواز؛ نگران وجهه و محبوبیت خود؛ هدف‌گرا؛ پرانرژی و فعال؛ قاطع؛ مدیر و بازاریاب؛ پرشور؛ مؤثر و موفق
تپ ۴	فردگرا	دارای بصیرت؛ خلاق و آراسته؛ کنجکاو؛ میهن‌پرست؛ اصیل؛ نوگرا؛ مهربان؛ پربار
تپ ۵	جستجوگر	دانش‌گرا؛ بافراست؛ دارای افکار بدیع و نو؛ تحلیل‌گر؛ حقیقت‌جو؛ دلسوز و خونسرد؛

فلسفه‌گرا؛ آگاه؛ بذله‌گو		
قابل اعتماد؛ با احساس؛ راسخ و پایدار؛ محتاط؛ مدعی حق؛ باتدبیر؛ علاقه‌مند به شرکت در حل مسائل مشترک و گروهی؛ مسئولیت‌پذیر	وفادار	تیپ ۶
برونگرا؛ اجتماعی؛ خوش‌قلب؛ خوشبین؛ پرانرژی؛ هوشیار؛ باشور و شوق؛ موفق	ماجراجو	تیپ ۷
رهبر و کاردان؛ شجاع؛ پرانرژی؛ با قدرت؛ عادل؛ دارای اعتماد به نفس؛ قاطع؛ جنگنده	چالش‌گر	تیپ ۸
متین؛ صبور؛ صلح‌جو؛ سازگار؛ منصف؛ کم‌توقع؛ دلگرم‌کننده؛ خونسرد؛ باشعور و آگاه؛ خوشبین	مسالمت‌جو	تیپ ۹

## جدول شماره ۲: معایب شخصیتی تیپ‌های نه‌گانه شخصیت آناگرام

متوقع و زورگو؛ عصبانی؛ قضاوت‌گر؛ عیب‌جو؛ ریزین	اصلاح‌گرا	تیپ ۱
فضول؛ حسود و کوتاه‌فکر؛ نیازمند و محتاج؛ مداخله‌گر؛ متوقع؛ هدایت‌م‌دیانه دیگران به سمت خواسته‌های خود؛ انحصارگر	یاری‌گر	تیپ ۲
خودبزرگ‌بین؛ کم‌احساس؛ متظاهر دارای رفتار ناسازگار و غیردوستانه	موفقیت‌گرا	تیپ ۳
خودشیفته؛ خودنما؛ دوری‌گزین و فرار؛ بی‌حوصله؛ همواره به فکر خود بودن؛ افسرده روان	فردگرا	تیپ ۴
منزوی و کم‌عاطفه؛ نانوان در برقراری ارتباط؛ مرموز؛ طمع‌کار؛ تحریک‌کننده؛ نامتعارف	جستجوگر	تیپ ۵
شکاک؛ تنگ‌نظر؛ سخت‌گیر؛ متعصب؛ جاه‌طلب؛ منفی‌باف؛ بی‌اراده؛ مستبد؛ دارای حالت تدافعی توأم با پرخاشگری؛ دارای وحشت بی‌مورد (پارانویید)	وفادار	تیپ ۶
ناسازگار؛ غیرمسئول و خوش‌گذران؛ کند؛ پرحرف؛ فراموش‌کار؛ بدون فکر؛ شلوغ	ماجراجو	تیپ ۷
انتقام‌جو؛ کنترل‌کننده؛ سخت‌گیر و مستبد؛ پرتلاطم و افراطی؛ خود بزرگ‌بین؛ کم‌عاطفه؛ تهدیدگر؛ مقابله‌گر؛ سلطه‌گر	چالش‌گر	تیپ ۸
تنبل؛ دنباله‌رو؛ بی‌اراده؛ غیرمتعهد؛ فراموش‌کار؛ بی‌حوصله؛ خودرأی؛ ازخودراضی؛ بی‌تفاوت نسبت به مسائل	مسالمت‌جو	تیپ ۹

هر تیپ آناگرام، الگوی متفاوتی از تفکر، احساس و عمل دارد که از جهان‌بینی و انگیزه‌های درونی‌اش ناشی می‌شود؛ بنابراین هر تیپ در ارتباط با خود، دیگران و دنیا استراتژی متفاوتی دارد. هر شخصی سه مرکز هوش و ادراک دارد: سر (ذهن و تفکر)، قلب (احساس) و بدن (جسم و غریزه). هر کسی توانایی استفاده از هر کدام از این مراکز هوشمندی و ادراک را دارد و برقراری تعادل در استفاده از این سه مرکز هوشمندی و ادراک، سبب تعادل در زندگی شخصی و اجتماعی او خواهد شد؛ اما در هر تیپ شخصیتی، یکی از این مراکز در اولویت قرار دارد. به بیان دیگر، هر کسی (هرگونه شخصیتی) از یکی از این مراکز بیشتر استفاده می‌کند.

نه تیپ آناگرام به سه دسته زیر تقسیم می‌شوند:





تمرکز بر هریک از این مراکز هوشمندی و ادراک، بر میزان آگاهی هر فرد از محیط اطراف و چگونگی گسترش توانایی‌های او تأثیر می‌گذارد.

### ۲-۴-۱ بدن

تیپ‌های بدن محور، تحرک، آگاهی حسی و آگاهی درونی خود را با جسم خود به دست می‌آورند. غرایض در این تیپ‌ها مرکزیت دارند و تمرکز آنان بر امنیت شخصی، کنترل، تعلق اجتماعی و انجام عمل درست قرار دارد؛ مانند تیپ‌های ۱، ۸ و ۹.

### ۲-۴-۲ قلب

تیپ‌های احساس محور درباره احساسات مثبت و منفی، همدلی و توجه به دیگران، عشق و از خودگذشتگی، بر قلب تأکید می‌کنند. عواطف در این تیپ‌ها مرکزیت دارد و تمرکز آنان بر موفقیت و رابطه برقرار کردن با دیگران و انجام وظیفه مطابق با انتظارات دیگران یا ملزومات کاری است؛ مانند تیپ‌های ۲، ۳ و ۴.

### ۲-۴-۳ سر

تیپ‌های تفکر محور، با ایده‌ها، جمع‌آوری اطلاعات، دانستن همه‌چیز و تصمیم‌گیری منطقی پیش از انجام کار، هدایت می‌شوند. فکر در این تیپ‌ها مرکزیت دارد و تمرکز آنان بر به دست آوردن اطمینان و امنیت و یا پیدا کردن گزینه‌های متعدد است، مانند تیپ‌های ۵، ۶ و ۷.

ممکن است افراد یک تیپ تفاوت‌هایی داشته باشند؛ اما ویژگی‌های مشترک آنان متفاوت باشد. در آناگرام برای پوشش این تفاوت‌ها از مفاهیم تیپ اصلی، تیپ فرعی و ... استفاده می‌شود.

### ۲-۴-۴ تیپ اصلی

هرکسی ویژگی‌های یکی (فقط یکی) از تیپ‌های آناگرام را بیش از بقیه تیپ‌ها دارد؛ بنابراین باید گفت آن تیپ، تیپ اصلی و غالب است.

### ۲-۴-۵ تیپ فرعی

هرکسی برای بقا در این دنیا سه استراتژی اصلی دارد: حفظ جان، روابط اجتماعی و روابط خصوصی. هر تیپ آناگرام در هر کدام از این استراتژی‌ها خصوصیات خاصی خودش را نشان می‌دهد که به آن تیپ فرعی می‌گویند.

هر نوع آناگرام بازتاب یک جنبه از شخصیت الهی است. پیام اصلی آناگرام، مشاهده و بازتاب دادن به تجربه خود از طریق ایجاد «شاهد درونی» یا «ناظر درونی» برای کمک به فرد در شناخت بیشتر خود است (Kam, 2019). هیچ‌یک از این شخصیت‌های نه‌گانه، ذاتاً بهتر یا بدتر از شخصیت‌های دیگر نیستند. هریک از این شخصیت‌ها دارای خصوصیات منحصر به فرد و نقاط ضعف و قوت مختص خود هستند و از این نظر هیچ نوع برتری بر یکدیگر ندارند.

## ۲-۵ تحلیل شخصیت ترامپ براساس نظریه آناگرام

برای تجزیه و تحلیل تأثیر شخصیت ترامپ بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران، نظریات نخبگان، توئیت‌ها و تصمیمات ترامپ و تیم سیاست خارجی آمریکا بررسی می‌شود.

کدام‌یک از ویژگی‌های شخصیتی دونالد ترامپ باعث تأثیرگذاری بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران شده است؟ با نگاهی به تیپ‌های نه‌گانه آناگرام، به‌طور واضح می‌توان دو تیپ از نه تیپ آناگرام را در شخصیت ترامپ غالب دانست؛ این دو تیپ، تیپ‌های شخصیتی ۷ و ۸ هستند که در ذیل به بررسی این تیپ‌های شخصیتی دونالد ترامپ می‌پردازیم و سپس تأثیر شخصیت ترامپ را بر تهاجمی‌شدن رویکرد سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران و خروج از برجام تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

### ۲-۵-۱ تجزیه و تحلیل نظر نخبگان امریکایی درباره شخصیت ترامپ

دنیل درنز استاد علوم سیاسی مدرسه حقوق و دیپلماسی دانشگاه تافتز در این باره می‌گوید: «یک کلاه‌بردار پست، جایگاهی را تصرف کرده که هیچ درکی از آن ندارد».

جک جنز از مؤسسه امریکایی تحقیقات معاصر آلمان در دانشگاه هاپکینز نیز چنین می‌گوید که «تصمیمات ترامپ بیشتر حالت غریزی دارد تا آنکه بر دانش و آگاهی استوار باشد».

مایکل ورز از اندیشکده مرکز پیشرفت آمریکا معتقد است: «ترامپ فردی است با گستره دیدی بسیار محدود، فاقد آموزش، کنجکاوی و تمایل به فهم جهان. او کسی است که اطلاعات سیاسی خود را از طریق شبکه‌های تلویزیونی محافظه‌کار آمریکا کسب می‌کند. نیروی محرک او یکی خودشیفتگی است و دیگری نیاز مفرط به پذیرش خود از سوی دیگران».

مایکل ورز همچنین می‌گوید: «در واقعیت امر، دونالد ترامپ یک فرد کاملاً غیرسیاسی است و چنین خصوصیتهایی می‌تواند برای مهم‌ترین مقام جهان یعنی رئیس‌جمهور آمریکا بسیار سرنوشت‌ساز و مخرب باشد. ویژگی‌های شخصیتی ترامپ موجب این شد که سیاست خارجی آمریکا متهم به بی‌ثباتی و فقدان پایداری گردد».

اریک گومز از اندیشکده لیبرال محافظه‌کار کاتو می‌گوید: «اما مشکل آنجاست که سیاست‌های او قابل‌پیش‌بینی نیستند. علت آن هم این است که او مدام نظر خود را تغییر می‌دهد و علت این چرخش‌های نظری را باید در این نکته جست که او قادر به فهم پیچیدگی‌های مسائل سیاست بین‌الملل نیست» (شاه‌بهرامی، ۱۳۹۸: ۱۳۵).

### ۲-۵-۲ تحلیل شخصیت رهبری ترامپ به‌عنوان یک رئیس‌جمهور اقتدارگرا

ترامپ بارها و بارها استدلال کرد که برخلاف رؤسای جمهور سنتی، وی به‌طور منحصربه‌فرد صلاحیت شناسایی فرصت‌ها و نقاط ضعف در مذاکره با رقبای آمریکا را دارد. با این بینش، او ابتکار عمل را درباره انبوهی از مسائل به دست می‌آورد. حرکت سریع و برهم‌زدن وضعیت موجود از اهمیت اساسی برخوردار است. در این باره، مایکل پوکالیکو می‌نویسد: «به‌طور خلاصه، از شخصیت رئیس‌جمهور ترامپ باید انتظار داشت که وضع موجود را به‌عمد و با اشتیاق برهم بزند، به‌طور فعالانه حرکت کند و از همه شرایط و نیروهای برهم‌زننده استفاده کند - خواه آن‌ها را کاتالیزور کرده باشد یا نه» (Steff, 2020: 394).

برخی از عناصر تشکیل‌دهنده شخصیت رهبری ترامپ عبارت‌اند از:

**الف) انگیزه رهبری:** در جایگاه یک فرد فوق‌العاده با اعتمادبه‌نفس و اعتقاد راسخ به استعدادهای خود، توانایی رهبری، توانایی بالقوه برای موفقیت و تلاش برای قدرت، انگیزه اصلی رفتار رهبری ترامپ بود که با توجه به نیاز به کنترل موقعیت‌ها و تسلط بر دشمنان منعکس شده بود.

ب) جهت‌گیری رهبری: با توجه به اعتماد به نفس عالی و تسلط بالا، ترامپ بیش از رابطه، با هدف هدایت شد. در جایگاه یک رهبر وظیفه‌گرا، ترامپ اجازه نمی‌داد که روابط خوب مانع رسیدن به هدف باشد.

ج) عملکرد: برای دستیابی به منافع بزرگ، انگیزه بزرگی نیاز است؛ بنابراین، ترامپ در انجام تلاش‌ها در دوره ریاست جمهوری، خستگی‌ناپذیر (متعهد و پرنرزی) بود. این انگیزه قوی و انرژی پویا ناشی از شخصیت برون‌گرای او بوده است.

د) سبک مدیریتی در سازماندهی و مدیریت فرایند تصمیم‌گیری: ترامپ در زمینه ترغیب دیگران پافشاری می‌کرد و بیش از آنکه وی را یک اجماع‌ساز یا یک داور معرفی کنیم، می‌توان مدافع برنامه سیاست خود معرفی کرد.

ه) سبک اجرایی: در برخورد با کنگره، اعضای کابینه و مقامات ارشد دولتی، ترامپ بسیار درگیر بود. به‌طور معمول وی برای جلب توجه، خواستار سلطه‌گری، تخصص، رقابتی کنترل‌کننده و مبارزه‌ای قدرت‌مآبانه بود؛ اگرچه ترامپ مطمئناً قادر به رفتار جمعی، مشارکتی و هماهنگ بود، به شرط آنکه این امر منافع شخصی او را تأمین می‌کرد.

و) روابط رسانه‌ای: ترامپ در ارتباط خود با مطبوعات میزان هماهنگی خود را حفظ می‌کرد؛ تا آنجا که احساس می‌کرد می‌تواند بر رسانه‌ها تأثیر بگذارد. وجود یک رسانه منتقد، روابط نسبتاً بسته و غیردوستانه ترامپ با رسانه‌ها را مشخص می‌کرد که حتی به‌سرعت به خصومت کامل او با آن رسانه تبدیل می‌شد.

ز) روابط عمومی: در ارتباط با مردم و رهبران خارجی ترجیح می‌داد که تعامل مستقیم داشته باشد. سیاست‌های خود را به‌صورت شخصی بیان می‌کرد و به‌جای اعتماد به معاونان و وزیران، از رفتارهای سیاسی خود دفاع می‌کرد. شخصیت مسلط، با اراده قوی و صریح ترامپ این تمایل را به‌دلیل برون‌گرایی او تقویت می‌کرد (Immelman, 2020: 1).

## ۲-۵-۲ بررسی شخصیت ترامپ بر اساس تیپ‌های ۷ و ۸ نظریه آناگرام

نهادگرایان نئولیبرال معتقدند که دولت‌ها بازیگران منطقی هستند که به منافع ملی خود اهمیت می‌دهند. وقتی ببینند که نتایج همکاری برای آن‌ها سودآور است (سودهای مطلق به همراه می‌آورد)، زیاد به مزایای دیگران توجه نمی‌کنند. نئورئالیست‌ها با این گفته مخالفت و ادعا می‌کنند که این همکاری مبتنی بر منافع نسبی است. کشورها منافع خود را با سود شریک مقایسه می‌کنند که باید کم‌وبیش برابر باشد؛ حتی زمانی که شرکا از همکاری، یعنی تحقق مفروضات خود راضی باشند، یک طرف می‌تواند تعهد خود را پس بگیرد؛ در صورتی که متوجه شود نسبت به متحدان خود سود نسبتاً کمتری کسب می‌کند (Matera, 2019: 30).

ترامپ همان‌گونه که در کتاب خود با عنوان «بزرگ فکر کن» می‌گوید، دنیا را مکانی مملو از خباثت می‌داند که در آن مردم در پی کشتن هم هستند. ترامپ تحت تأثیر فیلم‌های گانگستری که در دوران کودکی دیده است، معتقد بود مانند فیلم‌های گانگستری هرکس سریع‌تر ماشه را بکشد، پیروز است و در این دنیا روش زندگی واقعی این است که قبل از اینکه کشته شوی، بکشی؛ بنابراین او راه احیای عظمت آمریکا را در برخوردهای حذفی با رقبای دشمنان عظمت آمریکا می‌دانست. در واقع این نوع نگاه، حامل مرزبندی و دیوارکشی هویتی است و بقای خود را در نابودی دیگران می‌بیند (فلاحی، ۱۳۹۸: ۷۴۵).

تصمیمات ترامپ همیشه به‌منظور دیده‌شدن و پسندیده‌شدن انجام می‌گرفت؛ به عبارت دیگر، هر کاری که ترامپ انجام می‌داد، برای دیده‌شدن بود. او پیوسته به مخاطب احتیاج داشت و اگر دیگران به‌دنبال او نبودند، اعمال او دیگر دلیل اصلی خود را از دست می‌داد. بررسی‌های میشل فوکو درباره رهبران نشان می‌دهد که قدرت ناشی از فرد است و به این واقعیت اشاره دارد که به موجب منزلت شخصی، فرد می‌تواند دارای تأثیراتی باشد که خصوصیات ذاتی، او را از داشتن آن منع می‌کند. ترامپ که بیشتر عمر خود را در کانون توجهات سپری کرده بود، به نظر می‌رسد با رسیدن به ریاست‌جمهوری آمریکا در حال

تماشای وضعیت مطلوب خود بود و برای حفظ موجودیت خود دائماً به توجه و شناخت نیاز داشت (Andresscu, 2019: 348).

## ۲-۵-۴ تأثیر ویژگی قدرت طلبی شخصیت ترامپ بر برجام

کشورها برای تأثیرگذاری بر محاسبات طرف مقابل، گاهی از خشونت و تهدید و به کارگیری نیرو استفاده می‌کنند و می‌کوشند از این طریق توان نظامی خود را به نفوذ و قدرت سیاسی تبدیل کنند. دیپلماسی اجبارآمیز در پی حل اختلاف و رسیدن به نوعی سازش البته به نفع طرف اجبارکننده است. این فرایند سیاسی همراه با نمایش قدرت و تهدید و به کارگیری زور و یا حتی کاربرد محدود زور است تا انگیزه طرف مقابل برای مقاومت و ادامه سیاست خود از بین برود و با هزینه‌های سنگینی که در صورت نبود تمکین باید متحمل شود، محاسباتش تغییر کند و درخواست اجبارکننده را بپذیرد. طرف مقابل مجبور می‌شود بین گزینه تحمل ضربه نظامی و یا سازش، گزینه دوم را انتخاب کند که کم‌هزینه‌تر است (امینیان، ۱۳۹۶: ۱۹۱).

ترامپ نه برای ساختار سیاسی امریکا ارزش قائل بود و نه به اصول پذیرفته‌شده سیاست خارجی امریکا بها می‌داد. ترامپ اهل مشورت با ساختارهای سیاسی، اطلاعاتی و فکری در امریکا نبود و به شدت ضدساختار و خودمحمور بود (یزدان‌فام، ۱۳۹۵: ۱۳۹).

ترامپ تمایل خود را برای احیای درگیری سیاسی و نظامی شدید در غرب آسیا با خصومت آشکار برای ایران نشان داد. دستورات اجرایی او نشانه‌هایی از پیش‌بینی‌ناپذیر بودن و تمایل وی به تصمیمات عجولانه را نشان می‌داد. در این باره سه تصمیم او برجسته است. این تصمیمات، بینشی درباره سیاست ایالات متحده تحت مدیریت ترامپ در قبال غرب آسیا، ایران و برجام را ارائه می‌دهد.

(الف) با وجود شکست داعش، ایالات متحده تصمیم گرفت حضور نظامی خود را در سوریه حفظ کند؛

(ب) با وجود اعتراضات جهانی، ایالات متحده تصمیم به انتقال سفارت خود از تل‌آویو به اورشلیم گرفت؛

(ج) ترامپ بدون اعتنا به امضای سایر اعضا تصمیم گرفت که به‌طور یک‌جانبه از برجام خارج شود (Quamar, 2018: 272).

## ۲-۵-۵ تأثیر شخصیت ترامپ بر خروج امریکا از برجام

ترامپ بعد از روی کار آمدن، چهار بار معافیت از مجازات را برای بخشی از قانون بازنگری توافق هسته‌ای ایران امضا کرد؛ اما او هر بار به‌طور واضح بیان کرد که این کار را ناخواسته انجام داده است. رئیس‌جمهور ترامپ در یک سخنرانی از کاخ سفید اعلام کرد که ایالات متحده امریکا در حال پایان‌دادن به مشارکت در برجام است؛ زیرا این توافق نتوانسته «از منافع امنیت ملی امریکا محافظت کند».

ترامپ ضمن اعلام خروج از برجام در سال ۲۰۱۸، جمهوری اسلامی ایران را متهم کرد که اصلی‌ترین حامی تروریسم در منطقه و سرنگونی مردم خود است. وی گفت: «رژیم ایران برجسته‌ترین کشور حامی ترور است. ایران موشک‌های خطرناک صادر می‌کند، به درگیری‌ها در سراسر خاورمیانه دامن می‌زند و از شبه‌نظامیان تروریستی مانند حزب‌الله، حماس، طالبان و القاعده پشتیبانی می‌کند». درباره برجام، ترامپ گفت که «این توافق قرار بود از ایالات متحده و متحدان ما در برابر تولید بمب هسته‌ای ایران محافظت کند؛ اما در واقع این توافق به ایران اجازه داد غنی‌سازی اورانیوم را ادامه دهد و - با گذشت زمان - به مرز شکست هسته‌ای برسد».

کاملاً آشکار است که جامعه جهانی در موضوع برجام دچار انشقاق شد. درحالی‌که روسیه، چین، ایران و ترکیه تصمیم امریکا را محکوم کردند و طرفدار ادامه توافق بودند، عربستان سعودی و اسرائیل از خروج امریکا استقبال کردند (Quamar, 2018: 272).

## ۲-۵-۶ نزدیکی دولت‌ها و انسجام نخبگان ضدایرانی

حضور پمپئو در وزارت امور خارجه به جای تیلرسون و بولتون برای مشاور ترامپ - همانطور که قبلاً هم نشان داده بود - بیانگر آن بود که وی بیشتر طرفدار سیاست‌ها و اقدامات ضدایران است؛ اما به دیگران اجازه می‌دهد آن‌ها را ترسیم کنند. پاره کردن توافق هسته‌ای ایران در ماه مه ۲۰۱۸، نفوذ این دو همکار نزدیک و دولت‌های اسرائیل و عربستان و نبود نفوذ کامل متحدان اروپایی برای حفظ برجام را نشان داد؛ نیز پایان دادن به برنامه جامع اقدام مشترک (JCPOA)، قدرت سلطه‌گرانه ایالات متحده آمریکا و تأثیر شخصیت ترامپ را آشکار کرد. او در این زمینه گفته بود: «اگرچه من چیز زیادی در مورد ژئوپلیتیک نمی‌دانم، اما بدون گوش دادن به سخنان متحدانم تصمیم می‌گیرم». نقض این توافق‌نامه نه تنها نشان می‌دهد که به حرف ایالات متحده نمی‌توان اعتماد کرد، بلکه او با یک تیر دو نشان می‌زند؛ یعنی هم از توافق‌نامه خارج شد و هم رقابت اقتصادی و دیپلماتیک اروپا با ایران را محدود کرد. شرکت‌های اروپایی باید از قوانین داخلی آمریکا تبعیت می‌کردند و رهبران اروپایی در مقابل ترامپ تحقیر و تقریباً ناتوان شدند (Guerlain, 2018: 1).

با روی کار آمدن ترامپ به ریاست جمهوری ایالات متحده، مخالفت و موضع خصمانه اسرائیل و نهادهای لابی‌گری آن در آمریکا نسبت به توافق هسته‌ای ایران، شدت بیشتری به خود گرفت؛ به طوری که محورهای ثابت اظهارات نخست وزیر رژیم صهیونیستی علیه برجام، اصطلاحاتی مانند «توافق بد» بود و می‌گفت: «در سایه برجام، ایران سریع‌تر به سمت هسته‌ای شدن پیش برده می‌شود و امنیت اسرائیل، منطقه و جهان را تهدید می‌کند». ترامپ نیز بارها در جریان مبارزات انتخاباتی خود، توافق جامع هسته‌ای قدرت‌های جهانی با جمهوری اسلامی ایران را یکی از بی‌معنی‌ترین توافقات و فاجعه سیاست خارجی آمریکا نامید و اینکه «ایرانیان به حماقت توافقی که ما در مورد هسته‌ای منعقد نموده‌ایم، می‌خندند»؛ نیز اظهار می‌کرد که توقف اجرای آن و مذاکره مجدد، یکی از اولویتهای وی پس از روی کار آمدن خواهد بود (جوانشیری، ۱۳۹۸: ۳۱).

به‌طور گسترده، خاورمیانه امروز بین دو اردوگاه تقسیم شده است؛ واقعیتی که برخی از مفسران آن را «جنگ سرد» جدید توصیف می‌کنند. در یک طرف این تقسیم‌بندی، کشورهایی قرار دارند که مایل‌اند در اشکال مختلف، مشارکت استراتژیک با ایالات متحده را با پذیرش ضمنی هژمونی آمریکا بر منطقه داشته باشند. این اردوگاه شامل اسرائیل و برخی از کشورهای مرتجع عربی است. در طرف دیگر این تقسیم‌بندی، برخی از کشورهای خاورمیانه از جمله سوریه و عراق و بازیگران غیردولتی مانند حماس و حزب الله هستند که تمایلی به مشروعیت‌بخشی به حضور آمریکا در منطقه ندارند. جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر رهبر اصلی این اردوگاه بوده است (Hasan, 2019).

مایک پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا معتقد بود که خروج آمریکا از برجام منفعت بیشتری برای آمریکا به‌ویژه در ارتباط با کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس دارد. در واقع مشکل ترامپ با ایران مسئله سلاح هسته‌ای نبود؛ بلکه مشکل اصلی ترامپ و درحقیقت آمریکا با ایران، رفتار منطقه‌ای ایران و به‌ویژه محور مقاومت بود که نظم هژمونیک آمریکا در خاورمیانه را به چالش می‌کشد. به‌طور کلی باید گفت مطالعه راهبرد آمریکا بیانگر این است که افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران همواره یک معضل برای رؤسای جمهور آمریکا مطرح بوده است.

## ۲-۵-۷ استفاده از قدرت سخت

ایران هژمون منطقه‌ای است که نقش انکارناپذیری در معادلات منطقه خاورمیانه ایفا می‌کند. سیاست‌های ایران در منطقه کاملاً مستقل است و عمدتاً در تعارض با سیاست‌های اتخاذشده ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای غربی است. این رویارویی به‌ویژه درباره موضوع اسرائیل، موجب شده است تا دولت‌های مختلف در آمریکا به‌مثابه هژمون جهانی در پی تغییر

وضعیت موجود به تقابل، مدیریت و مهار جمهوری اسلامی ایران برآیند. این تغییر می‌تواند به صورت تغییر رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران یا تغییر حکومت ایران نمودار شود. دولت ترامپ به صورت مستقیم با ایران‌هراسی، برای ایجاد ائتلافی منطقه‌ای علیه ایران تلاش می‌کرد (جوادی ارجمند، ۱۳۹۹: ۲۱).

سیاست خارجی ترامپ در قبال ایران، دستیابی به صلح با اعمال قدرت بود. دونالد ترامپ بارها این اصل را یکی از ارکان سیاست خارجی خود معرفی کرده بود. صلح از طریق قدرت ترامپ، مبتنی بر رویکردی رئالیستی بود. به نظر می‌رسد دستیابی به صلح از طریق اعمال قدرت را می‌توان به معنای نظامی شدن سیاست خارجی آمریکا تعبیر کرد. حمله موشکی به سوریه و نیز صف‌آرایی نظامی آمریکا در برابر کره شمالی به خوبی گویای رویکرد نظامی‌گری و سخت‌افزاری ترامپ در قبال مسائل بین‌المللی بود.

تصمیم به ترور سرلشکر قاسم سلیمانی، رئیس سپاه قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، در سوم ژانویه ۲۰۲۰، یک مرحله دیگر در اوج‌گیری تنش بین ایران و آمریکا بود که رئیس‌جمهور آمریکا با لغو برنامه جامع اقدام مشترک انجام داد تا مطمئن شود که این توافق واقعاً از بین رفته است (Allin, 2020: 221).

## ۲-۵-۸ فشار حداکثری اقتصادی

دیوید جابلنسکی می‌نویسد: «قدرت عبارت است از استطاعت، توانایی یا قابلیت که به دارنده آن، توان تأثیرگذاری بر رفتار دیگر بازیگران را در جهت اهدافش می‌بخشد» (کریمی فرد، ۱۳۹۹: ۲۷۱).

پرزیدنت ترامپ رهبر کشوری بود که توانسته با قدرت مالی خود، سیستم تجارت جهانی را بسازد و همچنان تجارت بین‌المللی را سلاحی برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی خود بداند و از آن استفاده کند. جنگ تشدیدشده تجاری به طور بالقوه ضربه بزرگی به عملکرد سیستم تجارت جهانی و به‌ویژه داور واقعی آن، سازمان تجارت جهانی، وارد کرد (Lukin, 2020: 27).

ترامپ در راهبرد جدید خود آشکارا از سیاست براندازی جمهوری اسلامی ایران حمایت می‌کرد. از نظر پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا، برجام موجب سرازیر شدن درآمدهای هنگفت نفتی به اقتصاد ایران شد و این امکان را برای رهبران مذهبی ایران فراهم ساخت تا برنامه‌های هسته‌ای و نظامی و همچنین جاه‌طلبی‌های منطقه خود را به اجرا بگذارند. به همین دلیل، آمریکا تحریم‌های گسترده علیه ایران را ساماندهی کرد و کوشید تا فروش نفت ایران را به صفر برساند (رومی، ۱۳۹۷: ۳۹).

برای سیاست «فشار حداکثری» ترامپ، ایالات متحده چندین تحریم جدید علیه ایران اعمال کرد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران (سپاه) را «یک سازمان تروریستی خارجی» اعلام کرد و هرکسی را که در سراسر جهان با سپاه سر و کار داشت، در معرض اتهامات کیفری ایالات متحده قرار داد؛ درحالی‌که دولت ترامپ قبلاً بیش از ۹۷۰ نهاد و اشخاص ایرانی را تحریم کرده بود. هرگز پیش از این واشنگتن به دنبال غیرقانونی دانستن بخشی از نیروهای مسلح یک کشور حاکم نبوده است.

در راستای همین سیاست، ایالات متحده اعلام کرد که به دنبال حذف کامل صادرات نفت ایران است. این صادرات که به دلیل تحریم‌های قبلی به حدود یک میلیون بشکه در روز کاهش یافته بود، اکتی شدید نسبت به ۲/۵ میلیون بشکه در روز - که ایران قبل از خروج ترامپ از برجام در ماه مه ۲۰۱۸ صادر می‌کرد - نشان می‌دهد (Rhode, 2019: 4).

مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا در اندیشکده هریتیج درباره خروج ترامپ از برجام اظهار می‌کند: «... آمریکا از برجام خارج شده؛ زیرا برجام نتوانست تضمینی در برابر خطر ایران ایجاد کند... ایران از پول‌های برجام برای دامن‌زدن به جنگ‌ها در خاورمیانه استفاده کرد و در زمان برجام حرکت خود در منطقه را توسعه داد» (علی تبار، ۱۳۹۷: ۱۷۳).

## ۴- نتیجه‌گیری

سیاست خارجی امریکا در قبال ایران در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ، بیشترین تأثیر را از شخصیت آلفایی و قدرت‌مآبانۀ او پذیرفته است که در نظریه‌آناگرام به آن پرداخته شد. با نگاهی کلی به روند سیاست خارجی امریکا در قبال ایران، دولت ترامپ با استفاده از گزینه فشار حداکثری و ابزارهای قدرت به‌جای روش‌های دیپلماتیک و مسالمت‌آمیز، سیاست برد - باخت را به‌جای سیاست برد - برد انتخاب کرد. هدف دولت ترامپ در رسیدن به توافق جدید، توافقی بهتر و به نام دولت خودش با جمهوری اسلامی ایران بود که بیش از منافع ملی امریکا، متأثر از شخصیت وی بود. با تجزیه و تحلیل شخصیت رئیس‌جمهور امریکا براساس نظریه‌آناگرام، مشخص شده که شخصیت ترامپ باعث شده است تا دولت امریکا سیاست‌هایش را در قبال ایران با رویکرد تهاجمی دنبال کند. شخصیت ترامپ پس از ورود به کاخ سفید طی یک روند چهارساله به‌سمتی پیش رفت که از انقلاب ۱۳۵۷، بیشترین تأثیر را (به‌عنوان کارگزار) بر ساختار سیاست خارجی امریکا در قبال ایران گذاشت. وی به خروج از برجام و بازگرداندن تحریم‌ها اقدام کرد. تهدید به بمباران مراکز فرهنگی و شهادت سردار سلیمانی که طبق قوانین بین‌الملل و منشور سازمان ملل جنایت علیه بشریت شناخته می‌شوند، از آن جمله است؛ او به‌طور دیوانه‌واری مسئولیت این جنایت را به عهده گرفت و نیز از ورود دارو و تجهیزات پزشکی به‌ویژه تجهیزات و داروهای مرتبط با بیماری‌های صعب‌العلاج به ایران جلوگیری کرد که برپایه کنوانسیون‌های بین‌المللی، این اقدامات، مصداق نسل‌کشی است. با توجه به مطالب بیان‌شده، شخصیت ترامپ تأثیر بسزایی بر سیاست خارجی تهاجمی امریکا در تقابل با ایران در دوران پس از خروج امریکا از برجام گذاشت.

## منابع

- ازغندی، سید علیرضا، (۱۳۹۴)، *روابط خارجی ایران (دولت دست‌نشانده) ۱۳۵۷-۱۳۲۰*، تهران: قومس.
- اسلامی، محسن، نقدی، فرزانه، (۱۳۹۵)، «ابزار تحریم و سیاست خارجی امریکا در قبال ایران»، فصلنامه روابط خارجی، دوره ۴، ۳۷-۷۱.
- امینیان، بهادر، (۱۳۹۶)، «به‌کارگیری زور به‌عنوان ابزار سیاست خارجی امریکا، معضل فراروی ترامپ»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۵، ۱۹۱-۲۲۲.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر، گنج‌خانلو، مصدق، (۱۳۹۹)، «الگوی روابط عوامل کلیدی تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۵۰، ۲۱-۴۳.
- جوانشیری، امیرصدرا، بصیری، محمدعلی، (۱۳۹۸)، «مقایسه نقش لابی اسرائیل در سیاست خارجی ایالات متحده امریکا در دوران باراک اوباما و دونالد ترامپ (با تأکید بر توافق هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران)»، فصلنامه مطالعات امنیت بین‌المللی، دوره ۱۶، ۳۱-۶۱.
- خورش، مهدی، (۱۳۹۴)، *شخصیت روانشناسی، اصفهان: سنا*.
- دیلیم صالحی، بهروز، صایی، غلامرضا، (۱۳۹۶)، «تحلیل سیاست خارجی ایالات متحده امریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران با رویکرد سیستمی»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۶، ۱۵۰-۱۲۷.
- رومی، فرشاد، کاظمی، احسان، (۱۳۹۷)، «مواجهه ایران و امریکا؛ راهبردها و تاکتیک‌ها (راهکنش‌ها)»، نشریه علمی آفاق امنیت، دوره ۱۱، ۳۹-۶۹.

- سیمبر، رضا، زمانی، محسن، (۱۳۹۸)، «کاربست مدل تصمیم‌گیری شهودی چندوجهی در سیاست هسته‌ای تا حصول برجام»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۹، ۳۹۵-۴۱۲.
- شاه‌بهرامی، داریوش، ترابی، قاسم، رضایی، علیرضا، (۱۳۹۸)، «بررسی تطبیقی راهبرد دولت اوپاما و ترامپ در قبال خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۰، ۱۳۵-۱۵۷.
- صالحیان، تاج‌الدین، سیمبر، رضا (۱۳۹۷)، «منابع اجتماعی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۸، ۱۶۵-۱۸۶.
- علی‌تبار، محمدباقر، نیاکوئی، امیر، متقی، ابراهیم (۱۳۹۷)، «ترامپ و راهبرد خاورمیانه‌ای امریکا با تأکید بر بحران سوریه؛ گسست یا تداوم»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۷، ۱۷۳-۲۰۲.
- فلاحی، سارا (۱۳۹۸)، «بررسی چرایی و چگونگی احیای پوپولیسم در دموکراسی‌های غربی (با تأکید بر پیروزی دونالد ترامپ)»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۹، ۷۴۵-۷۶۴.
- کریمی‌فرد، حسین، (۱۳۹۷)، «سیاست خارجی ترامپ و واقعیت‌های نظام بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۸، ۲۸۵-۳۰۲.
- کریمی‌فرد، حسین، بینش‌فر، علیرضا، (۱۳۹۹)، «آثار سیاسی فناوری هسته‌ای بر قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۵۰، ۲۷۱-۲۷۸.
- محمدی‌نجم، سید حسین، یزدان‌پناه، محمد، (۱۳۹۳)، «متغیرهای موثر بر فرایند تصمیم‌گیری جهت مداخله نظامی در سیاست خارجی امریکا پس از جنگ سرد»، مجله سیاست دفاعی، دوره ۲۲، ۲۴۳-۲۷۷.
- یزدان‌فام، محمود، (۱۳۹۵)، «سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۹، ۱۳۹-۱۶۴.

Allin, D.H. (2020). "Closing argument impeachment, Trump and US foreign policy", *Survival: Global Politics and Strateg*, 62, 221-232.

An Adaptation-Based Study on Attitude

Andresscu, F.C. (2019). "Donald Trump's appeal: a socio-psychoanalytic analysis", *Journal for Cultural Research*, 23, 348-364.

Entessar, N. Afrasiabi, K. L. (2019). *Trump and Iran: From Containment to Confrontation*, New York: Lexington Books.

Guerlain, P. (2018). "US foreign policy of chaos under Trump: the wrecker and the puppeteers", *Revue Lisa/Lisa e-journal*, 14, 1-15.

Hasan, N. (2019). *Nuclear program of Iran and concerns of USA*. Bangladesh: Jahangirnagar University.

Immelman, A. Marie Griebie, A. (2020). "The personality profile and leadership style of u.s. president the personality profile and leadership style of U.S. president Donald J. Trump in office", Berlin, Germany (Virtual Conference), 1-70.

Jingsi Ni, A. (2020). "Leadership and power game in a multi-polarizing world: The competition between the US and China", *Open Journal of Political Science*, 10, 253-277.

Kale, S. H. Shrivastava, S. (2001). "Applying the enneagram to manage and motivate people" *Bond Business School Publications*, 52, 1-15.

Kam, C. (2019). *Encyclopedia of Psychology and Religion*, Springer-Verlag GmbH Germany, part of Springer Nature, Leeming (ed.).

Kergin. M. (2020). "Trump and global politics", *Canadian Foreign Policy Journal*, 26,



218-222.

Lukin, A. Torkunov, A. (2020). "Trump's policies and the Sino-Russian entente", *Survival*, 62, 27-36.

Matera, P. Matera, R. (2019). "Why does cooperation work or fail? The case of EU-US sanction policy against Iran", *Croatian International Relations Review*, 25, 30-62.

Mullaj, N. Kolmaš, M. (2019). American foreign policy and national identity under Donald Trump, Czech Republic, Strašnice: Metropolitan University Prague.

Quamar, M. (2018). "Trump and west Asia: policy departures and geopolitical implications", *India Quarterly: A Journal of International Affairs*, 74, 272-289.

Resources in Political Discourse

Rhode, B. (2019). "The US, Iran and 'maximum pressure'", *Strategic Comments*, 25, 4-6.

Siniver, A., Featherstone, C. (2020), "Low-conceptual complexity and Trump's foreign policy", *Global Affairs*, 6, 71-85.

Song, W. (2019). "An adaptation-based study on attitude resources in political discourse", *Open Journal of Social Sciences*, 7, 288-296.

Steff, R. Tidwell, A. (2020). "Understanding and evaluating Trump's foreign policy: A three frame analysis", *Australian Journal of International Affairs*, 74, 394-419.

Sutton, A. (2012). "But is it real? A review of research on the Enneagram", *Enneagram Journal*, 5, 5-20.

Wojczewski, T. (2020). "Trump, populism, and american foreign policy", *Foreign Policy Analysis*, 16, 292-311.

Zhai, X. Xu, Y. (2020). "Populism Poses a Threat to International Security", *Open Journal of Political Science*, 10, 481-492.

## The Personality of Donald Trump and its Impact on US Foreign Policy towards JCPA (Based on Enneagram Theory)

*Hasan Abediny Koshkoueieh<sup>1</sup>, Hossein Masoudnia<sup>2\*</sup>, Mahnaz Goodarzi<sup>3</sup>*

Received:2021/08/03

Accepted:2021/12/11

### Abstract

US foreign policy toward Iran during Donald Trump's presidency began with a misread of the nuclear deal, and then withdrew from the JCPA in 8102 to reach a better agreement, violating UN statement 8820. Finally, by unilaterally reinstating sanctions against Iran, as well as creating preconditions for renegotiation, it pressured other members of the JCPA to withdraw from the agreement. The Trump government chose a win-lose policy over a win-win policy, using the option of maximum pressure and the tools of power instead of diplomatic and peaceful methods. The goal of the Trump administration in reaching a new agreement was a better agreement in the name of its government with the Islamic Republic of Iran, which was more influenced by his character than the national interests of the United States. He sought to destroy all the gains of the previous Democratic administration, both internally and externally, by populist rhetoric, corrupting the ruling elites and the American structure. In this article, by analyzing the personality of the US President based on Enneagram theory, an attempt has been made to this question is answered how much Trump's personality has caused the US government to pursue its policies towards Iran with an aggressive approach.

**Keywords:** Trump, Iran, USA, JCPA, Sanctions, Enneagram Theory

---

<sup>1</sup> Ph.D. student in International Relations, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran.

<sup>2</sup> Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran (corresponding Author's E-mail: [h.masoudnia@ase.ui.ac.ir](mailto:h.masoudnia@ase.ui.ac.ir))

<sup>3</sup> Associate Professor, Department of International Relations, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran